

آینه



آقای واعظی! آقای ظریف! منطق شما ضعیف است

● **غلامرضا صادقیان:** منطق دولت ما ضعیف است، بسیار ضعیف و به همین خاطر کارش با منتقدان گره خورده است و بیش نمی‌رود و کمترین عواقب این منطق ضعیف پراکنده‌شدن مخاطبان از اطراف دولت است... دیروز در جلسه سردبیران و مدیران مسئول روزنامه‌ها با دکتر واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور شاهد این بی‌منطقی بودم، یک روز پس از سخن بی‌منطق دیگری که دکتر ظریف در مجلس گفت.

دکتر واعظی در پاسخ به این پرسش که چرا دولت در این وضعیت خطیر اقتصادی، وزارتخانه‌های اصلی مرتبط با اقتصاد را بلاکلیف رها کرده است، گفت: «مگر دولت این وزیران را برکنار کرده است؟! چرا یقه کسانی را نمی‌گیرد که این وزیران را برکنار کردند؟!... روشن است که فقط یک سخن ضعیف و بی‌منطق از دولتمردی مثل آقای واعظی کافی بود من را که یک روز تمام تلاش کردم حرف بی‌منطق دیگری از وزیر خارجه کشورمان را فراموش کنم، دوباره به یاد آن بیندازد!

دو روز پیش دکتر ظریف در مجلس گفت: «اگر برجام به‌نفع ایران نبود، آمریکا از آن خارج نمی‌شد، این حرف را می‌شود در پشت تریبون مجلس زد و نمایندگان را قانع کرد، اما ظریف می‌داند که این حرف خالی از منطق است و آمریکا می‌تواند دلیل دیگری یا چند دلیل برای خروج از برجام داشته باشد که هیچ‌کدامش نفع ایران نباشد و همه آن دلائل به نفع بیشتر و بیشتر آمریکا بازگردد، چرا چنین منطق ساده‌ای را ظریف نمی‌فهمد؟!... این یک منطق ساده و روشن دارد و آمریکایی‌ها به نظر مطابق منطق، البته نامشروع خودشان، عمل کردند، اما به‌نظر می‌رسد قضیه از پس ساده است، مورد توجه آذنان و افکار پیچیده‌اندیش دولتمردان ما قرار نمی‌گیرد! به این خاطر است که معتقدم فهم منطقی در دولت ما بسیار ضعیف است و این کج‌فهمی‌ها پایه دیوار سازندگی کشور را کج می‌کند.

کیم

آن‌ازبرجام، این‌هم ازFATF بهانه‌بعدی چیست؟!

● ... دولت آقای روحانی یکی از مأموریت‌های خود را گرفتن بهانه از آمریکایی‌ها تعریف کرده است. قرار بود با برجام، بهانه‌سنجی‌های واشنگتن گرفته شود و قرار است با FATF بهانه حمایت ایران از تروریسم مرتفع شود. حل و رفع این بهانه‌ها، خود تبدیل به بهانه‌ای برای دولت شد. می‌گویند برای رفع مشکلات اقتصادی باید ابتدا این مسائل را حل کرد. با این روند باید پرسید بهانه بعدی غرب چیست و دولت می‌خواهد کدام دغدغه آنها را مرتفع کند؟ و حد یقف این بهانه‌ها چیست و کجاست؟

سرانجام پس از کش‌وقوس‌های فراوان و با وجود انتقادات زیادی که از سوی منتقدین دلسوز مطرح شده بود، CFT روز یکشنبه و با رای مخفی نمایندگان به تصویب رسید و این مصوبه برای طی مراحل قانونی از نظر انطباق با شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان فرستاده شد، فارغ از اینکه هنوز هیچ چیزی نهایی نشده و باید منتظر نظر شورای نگهبان در این زمینه بود، بایستی از مسئولان محترم از دولت گرفته تا نمایندگان مجلس خواست به وظایف اصلی خود یعنی به مشکلات اقتصادی رسیدگی کنند و دولت نیز تکلیف وزارتخانه‌های مهم بدون وزیر را مشخص نماید. نکته جالب ماجرا اینجاست که روزنامه‌های زنجیره‌ای در شماره‌های دیروز خود رای نمایندگان را به شفافیت عنوان کردند بدون آنکه بگویند توضیح دهند چرا بایستی تنها این شفافیت برای دشمنان بوده و مردم از رای مثبت و منفی نمایندگان خود به یک لایحه اطلاعی نداشته باشند؟!

انتقد

در حاشیه دیدار رئیس‌جمهور

● **محمدعلی ابیطی:** دیدار رئیس‌جمهور با چند تن از افسراد احزاب اصلاح‌طلب، به دلیل فاصله تعبیربرانگیز روحانی با اصلاح‌طلبان در بعد از انتخابات و توجه‌نکردن و نادیده‌گرفتن هشدارها و درخواست‌های اصلاح‌طلبان تبدیل به یک خبر مهم شد. در حاشیه این اتفاق به دو نکته مهم باید توجه کرد. ۱- اصلاحات مقوله متفاوتی با اصلاح‌طلبان است. ۲- اصلاح‌طلبی با اصلاح‌طلبان متفاوت است. اصلاح‌طلبی یک اندیشه است. یک تفکر است و یک نیاز تاریخی. هیچ حکومتی بدون اصلاح‌کردن مداوم خود نمی‌تواند ارتباطش را با مردم حفظ کند. احزاب اصلاح‌طلب نهادهایی هستند که مثل احزاب اصولگرا دیک خود را هم می‌زنند. اما اصلاح‌طلبی از زمان مشروطه که قانون در کشور مدون‌تر شد تا امروز و آینده منطقی‌ترین راه پیشرفت است. همان که آقای خاتمی بر آن اصرار می‌ورزید. اصلاح‌طلبی نه حزب است، نه محل تقسیم شغل و نه به فراکسیون و پارلمان و بده‌بستان نیاز دارد و نه به تشریفات و پروتکل‌های مرسوم و نه میراث‌داری و نه میراث‌خواری. ملاقات با نمایندگان احزاب اصلاح‌طلب کار خوبی بود. اما تجدید دیدار دولت و حکومت با تفکر اصلاح‌طلبی نوشده راه‌حل کشور است.



علوی تبار با طرح ایده «هسته پیشرو» سازوکار احیای جنبش اجتماعی اصلاحات را تبیین کرد

فشار از پایین این‌بار به اصلاحات

یعنی مجموعه‌ای داریم که ادامه از صفحه‌اول

دارند اما در وجوه دیگری می‌توان کاملاً بین آنها خط‌کشی کرد و جناح‌بندی قائل شد.

حدود ۲۰، ۲۵ سال است که سازماندهی این نیروی اجتماعی در دست اصلاح‌طلبان دهه ۷۰ است. درست است؟

در اصلاحات دو سطح سازماندهی وجود دارد. در یک سطح، هدف رفع تعارضات و مدیریت تفاوت‌های زیادی است که در بین نیروها وجود دارد. در این سطح عمدتاً بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌های برآمده انقلاب نقش محوری را بازی می‌کنند. اینها فصل خصومت می‌کنند، رفع تعارض می‌کنند و سعی می‌کنند یکپارچگی این مجموعه متنوع را حفظ کنند.

برای اینکه اینها بتوانند مرجعیتی داشته باشند، باید خیلی برجسته نباشند، خیلی متفاوت نباشند و بقیه هم آنها را بپذیرند. این طیف [اصلاح‌طلبان] خیلی متنوع است، وقتی به دنبال آدم‌هایی می‌گردید که نقاط مشترک را داشته باشند، به آدم‌های کم‌رنگ‌تری می‌رسید؛ یعنی سلح آدم‌ها پایین‌تر می‌آید. بخشی از سازماندهی این است. به‌نظرم، با وجود همه فشارهایی که برای رودررو قراردادن اصلاح‌طلبان شده است، این بخش کار خود را خوب انجام داده و توانسته تا حدودی انسجام را حفظ کند.

شما در جایی گفته بودید که «شورای عالی» با برخی اصلاحات می‌تواند این کار ویژه را برعهده بگیرد.

بله، اما این سطح از تشکیلات برای اقدامات پیشروانه کافی نیست. این سطح فقط می‌تواند نظم‌دهی کند و انسجام ببخشد. به‌نظرم زیربوستی، یک نوع سازماندهی دیگر هم در اصلاح‌طلبان وجود دارد که بیشتر از سوی افرادی انجام می‌شود که اغلب هم در آن شورا نیستند. اینها بیشتر تولید ایده می‌کنند. آن را بین بخش‌های جوان‌تر اصلاح‌طلب توزیع می‌کنند. در واقع نوعی از تشکیلات شبکه‌ای ایجاد شده و ظاهراً در حال تقویت هم هستند. مثلاً به انصاهای مشترکی که زیر یک اطلاعیه خاص هست توجه کنید. در این نوشته‌ها امضای افرادی که در سطح اول سازماندهی هستند را کمتر می‌بینید، بیشتر جوان‌ها هستند و یک سری آدم خاص.

پس دو سطح سازماندهی وجود دارد؛ یکی که شورای عالی است، اما یک شبکه اجتماعی نیز در اصلاح‌طلبان وجود دارد که بیشتر به جنبش اجتماعی نزدیک است. به‌نظرم اگر [این شبکه] می‌خواهد واقعاً نقش ایفا کند باید یک کام جلوتر بیاید و کمی رسمی‌تر شود. یک شبکه اجتماعی وجود دارد، یک جنبش اجتماعی به معنای کلاسیک آن در جریان اصلاحات وجود دارد، اما هنوز تشکیلاتی را که سخنگوی آن باشد، پیدا نکرده است؛ یعنی هنوز تجسم سازمانی پیدا نکرده است. این شبکه از همه تشکلات‌های موجود هم عضو دارد.

آقای علوی تبار درحال حاضر ایده‌ای با عنوان «هسته سخت اصلاحات» مطرح شده است. به نظر می‌رسد شما با این ایده هم‌دل هستید، به‌ویژه در سطح دوم سازماندهی؛ اما وقتی به کشگران عرصه رسمی اصلاحات نگاه می‌کنید به نظر می‌رسد این ایده هیچ بازتابی نداشته است. سعید حجاریان با جایگاه ویژه‌ای که دارد، چنین موضوعی را مطرح کرده، اما به نظر می‌رسد بازتاب آن خیلی کمتر از انتظار بوده است. شما گفتید رابطه نظریه‌پردازان با تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌ها برقرار است، آیا واقعاً چنین است؟ آیا نظریه‌پردازان تأثیر خود را از دست نداده‌اند؟

تصور من این است که رابطه فعلی خوب نیست، اما ارتباط وجود دارد. البته در اصلاحات کمی رودرپایستگی هم وجود دارد؛ یعنی افراد مخالفت نمی‌کنند. اگر آقای حجاریان چیزی بگوید مخالف باشند، با آن مخالفت نمی‌کنند. نکته دیگری که وجود دارد این است که وقتی یک ایده

پیشروانه عده‌ای را نفی می‌کنند، همه احساس می‌کنند مخاطب شخص دیگری است؛ برای مثال وقتی آدم‌هایی را که دنبال منافع و قدرت هستند نقد می‌کنید، همه می‌گویند «خب با من که نیست». معتقدم باید شبکه‌ای را که حول نظریه‌پردازان اصلاحات وجود دارد، تسریع کنیم؛ یعنی آن را به یک سازماندهی تبدیل کنیم.

این کار ممکن است؟

من معتقد به ایجاد تشکیلات جدید نیستم. ایجاد تشکیلات هزینه و انرژی زیادی می‌برد، منابع زیادی نیز می‌خواهد و آدم را از ایده‌پردازی و موضع‌گیری‌های به‌موقع بازمی‌دارد. معتقدم که از همین تشکلهای موجود دوی سا ته از آنها می‌توانند هسته‌ای را تعریف کنند که مشکل باشد از اعضای تام‌الختیاری از این تشکل‌ها به‌اضافه آدم‌هایی که از بیرون دعوت می‌کنند. فرض کنید دو حزب تصمیم بگیرند هرکدام دو عضو و دو فرد از بیرون را در شورای ۸ یا ۹ نفره‌ای دور هم جمع کنند که کار اصلی آن جدا از کارهایی باشد که در بوروکراسی‌های حزبی انجام می‌شود؛ مثلاً ایده‌پردازی و موضع‌گیری در بزنگاه‌های حساس کشور. مغایرتی نیز با تشکل‌های موجود نیز ندارد. آنها کارکرد خودشان را دارند. فصل خصومت می‌کنند، وحدت رویه را تأمین می‌کنند و چانه‌زنی می‌کنند. اما ما به گروهی نیاز داریم که مستقل از این بوروکراسی‌ها برای حرف‌زدن، آزادتر باشد.

یعنی شما امیدتان به احزاب است؟

به احزاب نه، به اشخاصی از احزاب. ممکن است در احزاب ما آدم‌هایی باشند که دست‌وپای آنها در کار جمعی بسته باشد. در کار جمعی خیلی نمی‌شود حرف‌های پیشرو زد. می‌توانیم هسته کوچک‌تری از اصلاح‌طلبانی را که از دیوان‌سالاری‌های حزبی فارغ هستند، تشکیل دهیم – که ممکن است عضو برخی از احزاب باشند یا نباشند – تا اینها بتوانند بازسازی و نوسازی گفتمانی را در دستور کار قرار دهند. به‌اضافه اینکه بتوانند با طرح ایده‌های خلاقانه پروژه‌ها را پیش ببرند. اینها باید بتوانند خیال خودشان را آزاد کنند و کمی آرمانی‌تر و رادیکال‌تر کار کنند.

پس شما عملاً موافق ایده «هسته سخت اصلاحات» هستید؟

بله، ولی شاید تعبیر «هسته سخت» زیاد مناسب نباشد. من ترجیح می‌دهم از «هسته پیشرو» استفاده کنم تا «هسته سخت». «سخت» به معنی انعطاف‌ناپذیری و تغییرناپذیری هم هست. اما هسته اصلی، پیشرو است و جریان را بازسازی می‌کند و هم مواضع را رادیکال‌تر می‌کند. البته منظورم از رادیکال‌کردن روش‌ها نیست؛ مثلاً ما در تحلیل‌ها باید جواب بدهیم چرا قدرت و مدیریت در دست عده‌ای معدودی می‌چرخد. خود ما هم مشکل داریم. دولت آقای روحانی هم که بر سر کار می‌آید از همان‌ها استفاده می‌کند. این موضوع تحلیل رادیکال‌تری می‌خواهد. معلوم نیست که اگر اصلاح‌طلبان فردا به قدرت برسند موفق شوند این حلقه محدود را بشکنند.

پس همان‌طورکه پیش‌تر گفته‌اید ما به نظریه‌ای نیاز داریم که منشأ و علت (نه معلول‌ها) را شناسایی کند و برای اصلاح آنها برنامه‌ریزی کند. این کار ویژه هسته پیشرو می‌شود؟

بله، اما این هسته پیشرو می‌تواند در بدنه اصلاحات هم تحرکی به وجود بیاورد. شیوه‌های جدیدی برای اقدام مطرح کند. ما همیشه از امتحان‌کردن تظاهرات خیابانی می‌ترسیم. نگرانیم که در تظاهرات‌های خیابانی ما کسانی سوءاستفاده کنند. اگر نیرویی نمی‌تواند یک تظاهرات خیابانی را سازماندهی کند، باید در نیروی اجتماعی بودن خود

سیاست



علوی تبار با طرح ایده «هسته پیشرو» سازوکار احیای جنبش اجتماعی اصلاحات را تبیین کرد

شک کنند. چرا نباید در مقطعی از اعصاب دفاع کرد. همه راه‌های مسالمت‌آمیز را باید امتحان کرد. بدنه فعلی اصلاح‌طلبان این ظرفیت را ندارد. تشکیلات رسمی نمی‌خواهد از حدی پا را فراتر بگذارد، چراکه به‌محض مطرح‌شدن این طرح‌ها در آنجا، عده‌ای از احزاب راه خودشان را جدا می‌کنند؛ به‌ویژه احزاب تک‌نفره و چندنفره‌ای که مشخص است تشکیل شده تا فلانی دبیر کل باشد. این گروه‌ها فوراً حساب خودشان را جدا می‌کنند، چراکه با جاهای دیگری نیز هماهنگ هستند.

آقای دکتر شما همواره بر «بهبودخواهی حکومتی» تأکید داشته‌اید. اخیراً گفته‌اید که بهبودخواهی حکومتی نمی‌تواند در فقدان جنبش اجتماعی وظیفه‌خودش را پیش ببرد. آیا امیدوار هستید که هسته پیشرو، جنبش اجتماعی را فعال کرده و جنبش اجتماعی هم بتواند با فشار بر کارگزاران درون قدرت، آنها را در مسیر قرار دهد؟

یکی از ویژگی‌های جریان پیشرو این است که بیشتر به جنبش اجتماعی معطوف است تا به بهبودخواهی حکومتی. ببینید دولت‌ها از سر اضطراب تغییرات را می‌پذیرند. اگر شرایط خاص نبود، ممکن بود آقای روحانی شانس حضور نیابد. اما بهبودخواهی از دو ناحیه در خطر است. اول از سمت افرادی که با بستن چشم خود گذاشتند بهبودخواهی صورت بگیرد. آنها وقتی ببینند بهبودخواهی جلو رفته، مانع آن می‌شوند. دوم هم از ناحیه خود؛ [بهبودخواهی] بعد از مدتی به بندوبست می‌افتد و می‌خواهد آینده خود را تضمین کند. اگر جنبش اجتماعی نباشد، بهبودخواهان دور خودشان دور می‌زنند. جنبش اجتماعی با طرح مطالبات و فشار، می‌تواند برای جلودآمدن به بهبودخواهان پیشروی حکومتی کمک کند. ثانیاً می‌تواند اقچه‌های تازه‌ای را به‌وجود آورد. مسئله افق تازه یعنی اینکه ما جرئت کنیم کارهای تازه‌ای کنیم. یک‌جایی باید تبدیل خود را آزاد بگذاریم و راه‌حل‌های تازه‌ای پیدا کنیم. این از سیستم‌های بوروکراتیک برنمی‌آید.

جایی گفته بودید که اشکال اصلاح‌طلبان این است که هنوز به‌دنبال سیاست‌ورزی عادی و متعارف هستند....

در شرایطی که نه عادی است و نه غیرمتعارف. **پس بنا بر نظر شما شورای عالی که کار خودش را انجام داده و همین رویه را با کمی تغییر ادامه خواهد داد؛ آیا هسته پیشرو است که می‌تواند از حصار بازی عادی و متعارف خارج شود؟**

ببینید، اگر اصلاح‌طلبان بخواهند در این شرایط بمانند و مؤثر باشند، باید در چند زمینه بازسازی و نوسازی کنند. یکی در زمینه گفتگمانی است. به‌نظرم اصلاحات باید با توجه به سه محور نوسازی شود؛ یکی محور میهن‌دوستی مبتنی بر شهروندان است و نه ناسیونالیسم رومانتیک. دوم جمهوریت است و سوم برابری اجتماعی است. این‌ن کار از شورای عالی برنمی‌آید. از طرف دیگر باید سطح تازه‌ای از تشکیلات و سازماندهی را تعریف کنیم. به‌نظر من نباید شوروی‌عالی را از کارکردی که دارد بیندازیم، اما در کنار آن یک هسته پیشرو برای اصلاحات تعریف کنیم تا بتواند از وضعیت موجود فراتر رود. به لحاظ روشی هم باید نوسازی کنیم. ما برخی از روش‌های غیرخوشونت‌آمیز را امتحان کرده‌ایم و الان دیگر معلوم نیست که روش‌های قدیمی جواب دهد؛ باید جرئت کنیم و راه‌های تازه را امتحان کنیم. به‌نظرم نمی‌رسد در مجموعه شورای عالی، این کار ممکن باشد. این کاری است که هسته پیشرو باید انجام دهد.

آقای دکتر به تعبیر شما (و به نقل از هانز) قدرت را تنها می‌توان با قدرت مهار کرد و برای

قدرت داشتن منابع زیادی در اختیار ما نیست جز «تعداد» و «تشکیلات». قاعدتاً تشکیلات‌سازی در احزاب ممکن‌تر است، اما به‌نظر می‌رسد منطق حاکم بر بسیاری از احزاب حامی‌پروری است و این یعنی آنها نمی‌توانند نیروهای اجتماعی متنوع را جذب خود کنند. منطق حامی‌پروری گویا اقتضای «میدان سیاست» در ایران است. چطور می‌خواهید به تشکیلاتی برسید که بتواند از این تله‌ها عبور کند؟

ببینید؛ عرض کردم که ما دو سطح تشکیلات نیاز داریم. یک سطحی که تنازعات را مدیریت کند و وحدت رویه به‌وجود آورد. آنجا باید حساسیت بر این باشد که همه احزاب اصلاح‌طلب نماینده داشته باشند و این نمایندگان بر اساس وضع اجتماعی این نیروها باشد. از اصلاحاتی که باید در آن شورا صورت بگیرد این است که ببینیم همه نیروهای اصلاح‌طلب آنجا نماینده دارند یا نه. گام‌هایی نیز برای این کار برداشته شده است. روشن است که نهضت آزادی باید نماینده داشته باشد. یا مثلاً جریان‌های دانشجویی نظیر تحکیم که بعداً به فعالیت خود ادامه دادند، الان می‌توانند در این شورا نماینده داشته باشند. ما باید این موضوع را تکمیل کنیم تا همه نیروهایی که به‌لحاظ روشی اصلاح‌طلب هستند، در آنجا نماینده داشته باشند.

در آنجا باید مکانیسم‌هایی را در نظر بگیریم که این نیروها وزن داشته باشند. بهترین سازوکار هم معیارهایی بود که برای دادن یارانه به احزاب انتخاب کرده بودند. در دوره اصلاحات، وزارت کشور گفت می‌خواهیم برای احزاب یارانه در نظر بگیریم. برای این کار معیار گذاشتند؛ تعداد شعب، نشریه ثابت ارگان، کلاس‌های آموزشی که یک حزب برگزار می‌کرد. آن زمان یادم هست که «مشارکت» و «مؤتلف» بیشترین امتیاز را گرفتند. با همین معیارها می‌توان به احزاب وزن داد. مثلاً حزبی که تنها در تهران است و تنها شش نفر عضو اصلی دارد چرا باید رای برابری با حزبی داشته باشد که در تمام شهرستان‌ها شعبه دارد. اگر این دو کار را بکنیم، آن شورا کارکرد خودش را خواهد داشت. این حامی‌پروری‌ها زمانی می‌تواند محدود شود که به احزاب وزن دهد تا مسئله نمایندگی مطرح شود. باید مشخص شود [افرادی که در این شورا هستند] نمایندگان چه افرادی هستند؟ اینها اصلاحاتی است که آنجا باید انجام شود؛ اما سازماندهی سطح دوم باید از اینها مستقل باشد. فکر می‌کنم در دو، سه حزب موجود پتانسیل اینکه به تشکیل هسته پیشرو کمک کنند، وجود دارد. علتی هم که به سراغ احزاب می‌روم، این است که این هسته باید مشروعیت داشته باشد. اگر می‌خواهیم بگوییم اینها نمایندگان همه اصلاح‌طلبان هستند؛ بلافاصله این سوال به وجود می‌آید که این افراد با چه مکانیسمی انتخاب شده‌اند. این‌طوری دیگر این هسته ادعا نمی‌کند که همه را نمایندگی می‌کند؛ بلکه گروهی خواهد بود متشکل از یکی، دو حزب که کار خودش را می‌کند و جانشین کسی نیز نیست؛ گروهی که آزاد باشد ایده‌های نو بدهند و نقش پیشرو را بازی کنند و تحلیل‌ها را رادیکال‌تر کنند.

یعنی مشکلات را ریشه‌ای‌تر دنبال کنند.

بله، ریشه‌ای‌تر تحلیل کنند و تخیل خود را آزاد بگذارند. مدتی است که جرئت نمی‌کنیم که به آینده‌ای فراتر از وضع موجود نگاه کنیم. این تخیل می‌تواند چشم‌اندازهای تازه‌ای خلق کند؛ مثلاً عنصر جمهوریت. هسته اصلی جمهوریت این است که مردم عاقل هستند و نیازی به قیم ندارند.

این موضوع را باید دوباره احیا کرد. این را می‌توان با ایده‌های دینی هم پیوند داد؛ مثلاً چرا اصلاح‌طلبان در مقابل شکل عزاداری‌ها این‌قدر متفعل هستند. کسی چیزی نمی‌گوید و از کنار آن رد می‌شویم؛ ولی این شورا می‌تواند درباره این سنت برخورد انتقادی کند. درین شناسی ما مداح‌محور شده است. این بازگشت به سال‌های پیش از انقلاب است. محور کار مداح‌ها هم شعر و احساسات است. وقتی شاعر قوی وجود ندارد، همه چیز می‌گویند. تلاش برای اصلاح رفتار دینی می‌تواند به اصلاح اجتماعی کمک کند.

چرا اصلاح‌طلبان در مقابل دادن دلار ارزان به برخی سفرها سکوت می‌کنند؟ ما طرف را با دلار دولتی واجب‌الحج می‌کنیم. چه لزومی دارد این کار را بکنیم. این در بین مردم احساس تبعیض به‌وجود می‌آورد. شما به آن کسی که به اتتالیا می‌رود، دلار دولتی نمی‌دهید، چرا؟ چه کسی گفته این شخص حق گرفتن دلار دولتی ندارد؛ اما کس دیگری دارد. اگر آن مستحب است، این هم مستحب است. تفریحی که می‌تواند آرامش روانی ایجاد کند، قطعاً مستحب است.

آقای دکتر، شما از وزن‌دهی به احزاب گفتید، به نظر شما یک سطح از توسعه‌یافتگی برای این کار لازم نیست؟ برای مثال همه می‌گویند جوان‌گرایی؛ اما در نبود یک‌سری مسائل نه‌ادینه‌شده فرصت‌طلبان هستند که می‌توانند از این بحث‌ها بیشترین استفاده را بکنند. هر شاخصی برای وزن‌دهی انتخاب شود، نوعی فرمالیسم از دل آن خارج می‌شود و آن شاخص بلاموضوع می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۵

روزنه

سرلشکر باقری:

«ضربت محرم» نشان داد ایران برابر تجاوز ساکت نمی‌نشیند

● ایستنا: رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در اولین همایش «نقش قدرت هوایی در اقتدار ملی»، گفت: «در این ایام حوادث مهمی در پیش‌رو داشتیم. از جمله تلاش ارزشمند و مقتدرانه عملیات «ضربت محرم» که توسط نیروی هوافضای سپاه با موشک‌های ساخت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به قلب تروریست‌ها صورت گرفت و نشان داد که جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز و ظلم ساکت نمی‌نشیند و امنیت کشور را خط قرمز خود دانسته و به‌این‌وسیله از تروریست‌ها انتقام سختی گرفتند». سردار محمد باقری، افزود: «بحث ریزپرنده‌ها و تجهیزات نوین هوایی در حال پیشرفت است و هواپیماهای بدون سرنشین رادارگریز مسیر پیشرفت خود را طی می‌کنند و خوشبختانه ریزپرنده‌ها و تجهیزات نوین هوایی در دسترس ایران اسلامی قرار دارد، به‌گونه‌ای که هزینه کمتر و کارآمدی بالایی دارد».او گفت: «در مسئله توسعه قدرت هوایی نظامی کشور هیچ تردیدی وجود ندارد و این پیشرفت باید به‌گونه‌ای باشد که در صورت درگیری با دشمن به آنها اجازه ندیم حاکمیت هوایی ما را به مخاطره بیندازند و نیروهای هوایی بتوانند عملیات خود را انجام داده و از نیروهای دریایی و زمینی پشتیبانی نزدیک کنند». سردار باقری عنوان کرد: «در زمان صلح قدرت هوایی مأموریت‌های زیادی دارد. از جمله اگر مجموعه تروریستی در نزدیکی مرزهای کشور مقر ایجاد کند ما ساکت نخواهیم نشست و مأموریت‌هایی از این دست برای حفاظت از مرزهای هوایی و همکاری با پادفد که موضوعی بدیهی است بسیار حائزاهمیت است. دکتین قدرت هوایی ما در صورتی کارآمد است که بومی باشد و با تأثیرناپذیری از تحریم‌های نظامی، دارای مداوم، پایداری و تجهیزات آن در دسترس باشد».

بیانیه سپاه به مناسبت هفته ناجا

● **ایلنا:** سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با گرامیداشت هفته نیروی انتظامی، اقتدار و هوشمندی در امنیت‌سازی و خنثی‌کردن تهدیدهای ضدامنیتی دشمن در میهن اسلامی را م‌هرون مجاهدت‌ها و فداکاری‌های ناجا و سایر نیروهای مسلح و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی کشور دانست. در بخشی از بیانیه آمده است: «واقعیت‌های عینی و تجربه‌شده در چهلمین سال انقلاب اسلامی، بیانگر این حقیقت است که منظومه دفاعی و امنیتی کشور به‌ویژه نیروی مقتدر و غیرتمند انتظامی در یک هماهنگی، هم‌آوایی و همکاری مشهود و کم‌نظیر، ظرفیت‌های لازم و کارآمد برای تأمین امنیت ملی و انضباط اجتماعی و حاکمیت قانون در جامعه را فراهم و تحکیم بخشیده‌اند». این بیانیه می‌افزاید: «مشارکت مجاهدانه و شجاعانه نیروی انتظامی در مقابله با تهدیدات مرزی ناشی از ساناریوهای ضدامنیتی گروه‌های تروریستی و اشترار تحت حمایت و فرماندهی سازمان‌های جاسوسی دشمن و برخورد قاطعانه با مفسدان، قانون‌گریزان، آشوب‌طلبان، تهدیدگران سلامت اخلاقی جامعه به‌ویژه نسل جوان و برهم‌زنندگان آرامش عمومی از واقعیات انکارناپذیری است که با جلوه‌گری‌های خود، با برانگیختن تحسین و قدرشناسی مردم، ارتقای احساس امنیت در کشور را رقم زده است».در پایان این بیانیه آمده است: «به فضل الهی نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از مظاهر برجسته اقتدار ملی و سیر پولادین امنیتی ایران اسلامی، در پرتو اندیشه‌های امامین انقلاب اسلامی و تکیه بر روحیه خودباوری، اعتمادبه‌نفس و آمادگی‌های همه‌جانبه سازمانی و عملیاتی خود، با حضور مثال‌زدنی و هوشمندانه در میدان‌های بزرگ مأموریتی، نقشه‌ها و فتنه‌ها و طراحی‌شده توسط اتاق فکر دشمن برای برهم‌زدن امنیت و آرامش کشور در ۴۰ سالگی انقلاب را ابت و در تعامل، هم‌افزایی و هماهنگی با سایر نیروهای حافظ امنیت ایران اسلامی هرگونه تهدید و خطر اردوگاه شیطان بزرگ و بدخواهان ملت را با پاسخ درخور و غیرقابل‌تصور مواجه خواهد ساخت».



برادر ارجمند جناب آقای دکتر عبدالعلی رضایی درگذشت مادر بزرگوارتان را به جنابعالی و خانواده معزز تسلیت گفته و در این اندوه، هم‌همدم و هم‌امتان هستیم. در روز پنج‌شنبه (فردا) ساعت ۱۰:۳۰ الی ۱۲ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی به تسلیت شما حضور خواهیم یافت تا علو درجات آن مرحومه را جمعا از ایزدمنان مسئلت نماییم.

محسن آرمین، منصور آسیم، عنایت اتحاد، محمدعلی اکبری محسن امین‌زاده، حسین پایا، مصطفی تاج‌زاده، رضا تهرانی خسرو تهرانی حمیدرضا جلانی‌پور، محمدرضا جلانی‌پور سعیدحاجاریان مهرداد حاجتی، احمد خالقی، هادی خانگی مهدی درسی‌پور، علیرضا رجایی، عبدالله رمضان‌زاده، احمد ستاری عیسی سحرخیز، محمود شمس، مهرداد شیخانی، عباس عبدی فیض‌الله عرب‌سرخ، علیرضا علوی‌تبار، سعود غفاری، نیما فاتح جواد کاشی، محسن گودرزی، محمدمهدی مجاهدی، مهدی مدرسی جواد مظفر، پوریا موسوی، محمد نفیعی‌پور، محمدحسین نفیعی‌پور کامبیز نوروزی، حسین واله، جعفر همایی